

متن پرسش

سلام علیکم استاد بزرگوار: مدتی پیش بنده در محیطی بودم که در آنجا بخاطر تذکره به پیرزن سالخورده به خانم بی‌حجاب متاسفانه درگیر لفظی به همراه رفتارهای ناشایست و نازیبایی پیش آمد. دیگه با منطق چنین افرادی آشنا هستید که چه می‌گویند و چه می‌کنند! و حاجت به بیان حادثه نیست. اما مسئله‌ای که برای خودم بعد از این حادثه پیش آمد، تنفر شدیدی در قلبم نسبت به افرادی که عامدانه با پوشش نامناسب و برهنه وارد جامعه می‌شوند، به وجود آمده. انسان هستیم و زیست ما اجتماعی است و نیازمند به اجتماع پس نمی‌توان روی از این نیاز گرداند. من با این تنفر بوجود آمده چه کنم؟ آیا تحلیلی برای چنین حس قلبی در مسیر بندگی هست؟ جایگاهی دارد؟ اگر ندارد چگونه متعادل و درمانش کنم؟ چگونه این آتش خشم و انزجار را به حق هدایت کنم؟ چگونه در دام شیاطینی که جامعه رو به سوی دوقطبی سازی سوق می‌دهند نیافتم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ما در مسیر رعایت دینداری راهی و سبکی در این جهان برای زندگی خود داریم که آن، همراهی با حجاب و عفاف است. اگر طرف آماده بود تا متذکر ضعف‌های او شویم به او تذکر می‌دهیم وگرنه با جدیت راه خود، میدان حضور انحراف مسلم کم و کم‌تر می‌شود و اینان در اقلیت خود که چون راه‌شان باطل است، تحمل آن را ندارند و معلوم است خود را به در و دیوار می‌زنند حتی به قیمت خودکشی خود. این هنوز اول راه است. عمده آن است که متوجه شوند راهی که ما برگزیده‌ایم هر روز با نعمتی و رحمتی و نشاطی بس گشوده روبه‌رو هستیم. به گفته آن عزیز:

آنجا که یاران میروند، ماغم گساران می‌رویم	تا آسمان آبی و دل‌های یاران می‌رویم
دل‌های ما را هم‌رهان مانند خود آبی کنید	در این کویر تشنه کام ما سمت باران
می‌رویم	
دل‌ها اگر آبی نشد، مانند گل سرخش کنید	تا دشت لاله چون دوان، دیوانه واران می‌رویم
با دست‌های لاله‌ها، ایران ما آباد شد	توران اگر جنت شود ما سمت ایران
می‌رویم	
آنجا که یاران می‌دمند، هر دم به هر معبردمی	با آن صدای آشنا، با یاد جانان
می‌رویم	
از یاد یاران شهید، دل چند خون است و وحید	با عطر و بوی لاله‌ها ما هم به میدان

می‌رویم

دشمن اگر ناقوس را آهنگ جنگش سر دهد

با بیرق سرخ آمدیم، چون سربداران می‌رویم

آنجا که یاران می‌روند ، با ناز و شادان می‌رویم

این کوله بار انداختیم، این بار عریان

می‌رویم

موفق باشید